ادامه از صفحه ۶

تکمله‌ای بر یک گفت‌وگو

... با قذافی و سؤال اینکه احساس شخصی آقای رفیق‌دوست نسبت به قذافی چگونه بود، پاسخ‌هایی دادند و از سوی دیگر جناب آقای خرم، قذافی را دشمن ایران قلمداد کرده بود و بعد می‌بینیم که یکی از منابع تأمین برخی اقلام ویژه ایران، کشور لیبی بوده است؛ در اینجا تضادی وجود دارد که نیاز به بررسی بیشتر دارد.

به نظرم جناب آقای دکتر ولایتی، وزیر محترم وزارت خارجه وقت، بهتر از هرکس می‌توانند ابعاد این تعارض‌ها و تضادها را توضیح دهند.

جایگاه حمایت لیبی از ایران نسبت به جنگ در بین کشورهای عربی، دادن موشک‌های اسکاد بی و اینکه آیا با موافقت شوروی، موشک‌ها به ایران داده می‌شد یا انگیزه فردی قذافی بود، جایگاه امام‌موسی صدر در جهان تشیع و در لبنان و جهان عرب و همچنین قطعیت ناپدیدشدن ایشان در لیبی، موضع امل و حزب‌الله در قبال امام‌موسی و نسبت به شخص قذافی و کوشش‌هایی که قذافی و جلود به عمل می‌آوردند تا کراهیت شدید امل و حزب‌الله بالاخص و لبنانی‌ها را به وجه عام نسبت به خودشان و ناپدیدشدن امام موسی در لیبی را تعدیل کنند، نکاتی است که جناب آقای ولایتی بهتر می‌توانند توضیح دهند.

با اجازه جناب آقای رفیق‌دوست، می‌خواهم برخی نکات ذکرشده در مصاحبه از گفته‌های هر دو جانب سرکار خانم توحیدی و جناب آقای رفیق‌دوست را بیان کنم و چند جمله‌ای بر هریک اضافه کنم، در حدی که گمان می‌کنم، می‌تواند مفید واقع شود:

- آیا رودربایستی مانع از طرح موضوع امام‌موسی شده بود. نه موضوع امام‌موسی از اولویت خارج شده بود و نه، آن‌قدر نیاز به تأمین سلاح پررنگ شده بود که موجب کنار گذاشته شدن موضوع ناپدیدشدن امام موسی شود. اینها موضوع‌های متفاوتی بودند که هریک جایگاه خودشان را داشتند و همان‌گونه که بیان شد، موضوع ناپدیدشدن امام موسی در لیبی، امر مسلمی بود و مورد توجه ویژه حضرت امام(ره) بود...

- موضوع ملاقات جناب آقای خرم با موسی کوسا و سؤال از سرنوشت امام موسی که سبب شده بود، آقای خرم را از اتاق بیرون کردند. نکته‌ای شنیدنی است، درحالی‌که سفیر (جناب آقای خرم، کاردار بود) نمی‌باید با توجه به حساسیت موضوع بی‌محابا سؤال می‌کرد. البته جناب آقای خرم از دوستان بسیار قدیمی من است و فرد محتاطی است، ولی چون مستقیما از خود ایشان نقل شده بود، توجه‌دادن به این نکته، شاید بجا بود.

- موضوع دخالت‌ندادن حزب‌الله در موضوع ناپدیدشدن امام موسی صدر که بیان شد «حزب‌الله اگر ایران می‌گفت با قذافی رابطه برقرار کنید، فوری رابطه برقرار می‌کردند و مانعی برای آنها وجود نداشت» به نظر من با دقت بیان نشده بود. گرفتن موشک از لیبی موضوع پیچیده‌ای بود و چند طرف داشت و برقراری رابطه حزب‌الله با لیبی به دستور ایران با توجه به شرایط لبنان و حساسیت حضرت امام نسبت به ناپدیدشدن امام موسی به این سادگی نبود. روابط عاطفی حزب‌الله لبنان با ایران انکارناپذیر است، ولی اینکه آنان تابع نظرات سیاسی ایران باشند، کمی جای تأمل دارد، موضوع ناپدیدشدن امام موسی فقط یک‌طرف نداشت.

- اهانت قذافی به حضرت امیرالمؤمنین، در جلسه سه‌جانبه با اسد و امام موسی می‌تواند درست باشد چون من هم چنین مواضعی (نه اهانت) را مستقیم و یا به نقل از دیگران شنیده بودم که قذافی نسبت به موضوع معاویه و حضرت امیرالمؤمنین، نظر افراطی خودش را داشت.

- نقش آقای رفیقدوست در فراهم‌کردن زمینه برای گرفتن موشک از لیبی انکارناپذیر است، ولی این امر ساده‌ای نبود که با خواندن شعر «دیمه دیمه یا ابن‌الخیمه» فراهم آمده باشد. موضوعی با این اهمیت، قبل از اینکه به دلیل روابط عاطفی باشد یک امر سیاسی بود، چون نیاز به مجوز شوروی داشت. این سؤال در وزارت خارجه مطرح بود که آیا دادن موشک به ایران با مجوز شوروی بوده یا بدون مجوز بوده است. شوروی به ایران سلاح نمی‌فروخت یا سلاح استراتژیک نمی‌داد و مهم‌تر اینکه این‌چنین سلاحی نمی‌داد. آیا ممکن است باور کنیم که قذافی دیوانگی کرده و این سلاح را در اختیار ایران قرار داده است؛ سلاحی که بنا بر نقل آقای رفیقدوست که آقای هاشمی گفته «مایه عزت اسلام و مسلمین» شده است.

- نگاه گروهی در داخل که مخالف پیگیری موضوع امام موسی صدر بوده‌اند، حرف دقیقی نیست، بلکه برخی از افراد بودند که گمان می‌کردند لیبی یک کشور انقلابی است و بنابراین نمی‌خواستند خدشه‌ای به روابط ایران با این کشور به وجود آید. یادمان باشد که ما صحبت از سال‌های اول و دوم بعد از پیروزی انقلاب می‌کنیم، ولی بعدها اولویت‌های دیگری وارد معادله شدند که نمونه آن ایجاد رابطه بین حزب‌الله با لیبی بود و نکات دیگری که همچنان ناگفتنی است.

روح‌الله حسینیان:

اصولگرایان جز احمدی‌نژاد چیزی ندارند

احمدی‌نژاد در نهایت وارد کارزار انتخابات می‌شود

مهسا جزینی: ۷۵درصد، ۹۰ درصد و صددرصد. اینها تخمین‌های این روزهای «روح‌الله حسینیان»، نماینده سابق مجلس است از شانس پیروزی «احمدی‌نژاد». او مدعی است رئیس سابق دولت در صورت بازگشت به قدرت، رکورد رأی در ایران را خواهد شکست. همان کسی که در سال‌های دولت نهم و دهم مدافع احمدی‌نژاد بود، اواخر دولت دهم از او اعلام برائت جست اما به فاصله کوتاهی دوباره به جمع حامیانش پیوست. این عضو شاخص جبهه پایداری دیروز در پاسخ به سؤالی درباره سخنان چهره‌های مطرح اصولگرا مبنی بر حمایت‌نکردن از احمدی‌نژاد در انتخابات آینده به سایت انتخاب گفته است: «اگر اصولگرایان چیزی هم داشته باشند به خاطر خدمات آقای احمدی‌نژاد است و الا خودشان خیلی سابقه‌ای از خدمت ندارند. اگر اصولگرایان بخواهند نگاهی به عملکرد خودشان داشته باشند حتما باید به دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد استناد کنند. به نظر من، رویکرد مردم به سوی احمدی‌نژاد به حدی است که او بالاخره تسلیم مردم خواهد شد و درنهایت وارد کارزار انتخابات می‌شود».

حسینیان با اعتقاد به اینکه پایگاه رأی احمدی‌نژاد اصولگرایی نیست بلکه بخشی از بدنه جامعه است گفته: «اصولگرایان مهم نیستند که بخواهند از احمدی‌نژاد حمایت کنند یا نه. رئیس‌جمهور سابق بخشی از جامعه را با خود همراه دارد که حتما از او حمایت می‌کنند و همان متن جامعه است که در انتخابات تعیین‌کننده است». حسینیان همچنین در واکنش به سخنان سخنگوی جامعه روحانیت مبارز مبنی بر تمایل‌نداشتن برای مشورت با آیت‌الله مصباح‌یزدی درباره انتخابات ریاست‌جمهوری گفته است: «از خودشان باید بپرسید. آقای مصباحی‌مقدم سخنگوی اصولگرایان نیستند و حتی جایگاهی نیز ندارند که وقتی صحبتی می‌کنند از ناحیه اصولگرایان بخواهند صحبت کرده باشند».

حامی‌ای که پشیمان شد

«روح‌الله حسینیان» اردیبهشت‌ماه ۸۶ و در دولت نهم در حکمی از سوی محمود احمدی‌نژاد به عنوان «مشاور سیاسی و امنیتی» او منصوب شد؛ اگرچه مشخص نیست که این حکم تا چه اندازه تشریفاتی یا کاربردی بود. حسینیان در مجلس هشتم فراکسیونی به نام فراکسیون انقلاب اسلامی را راه‌اندازی کرد که گفته می‌شد کپی برابر اصل «آبادگران جوان» بود. آبادگران همان جمعی بودند که با دردست‌گرفتن شورای شهر تهران، احمدی‌نژاد را بر مسند شهرداری پایتخت نشاندند و در ادامه او را تا پاستور همراهی کردند. شاید از همین رو بود که بازتولید این تیم در دل مجلس هشتم، باعث شد نام وکیل‌الدوله تا پایان عمر این مجلس روی حسینیان و دوستانش نظیر رسایی و کوچک‌زاده بماند. فراکسیون حسینیان به صورت جزیره‌ای در دل فراکسیون اصولگرایان عمل می‌کرد که همواره با لاریجانی که ریاست هم‌زمان مجلس و فراکسیون اصولگرایان را به عهده داشت، اختلاف داشتند. اگر تا سال ۹۰ هویت حمایت از دولت و مخالفت با اصولگرایان میانه‌رو برای فراکسیون حسینیان و دوستانش کافی به نظر می‌رسید، اما بعد از وقایع فروردین ۹۰ و خانه‌نشینی احمدی‌نژاد، حمایت از آن دولت دیگر به صلاح نبود. این‌گونه بود که حامیان دولت احمدی‌نژاد بنیان‌گذار جبهه پایداری شدند و باز هم حسینیان در هیأت‌رئیسه این تشکیلات نقش برجسته‌ای داشت. او با فهرست همین تشکیلات به همراه دیگر هم‌قطارانش وارد مجلس نهم شد.

در مجلس نهم که دیگر در آن خبری از فراکسیون اصلاح‌طلبان نبود، اعضای جبهه پایداری فراکسیون اقلیت تندرو را تشکیل دادند و در اولین سال نیز مجالی برای عرض‌اندام یافتند. یکشنبه پانزدهم بهمن سال ۹۱، جلسه استیضاح وزیر کار احمدی‌نژاد به دلیل عزل‌نکردن مرتضوی برگزار شد. در آن جلسه بود که حسینیان بار دیگر خودی نشان داد، پشت تریبون رفت و به‌جای دفاع از شیخ‌الاسلام، به دفاع از سعید مرتضوی پرداخت و گفت: «مرتضوی کیست و چه گناهی را مرتکب شده است؟ آقای مرتضوی یکی از قضات انقلابی است که در مدت هشت سال حاکمیت اصلاح‌طلبان، مردانه در مقابل توطئه‌گران و روزنامه‌های زنجیره‌ای ایستاد؛ مرتضوی مردی است که در فتنه ۸۸ مقتدرانه و با بصیرت تمام، ایستادگی کرد و بدون هیچ محافظه‌کاری با اخلالگران و اشرار برخورد کرد. مرتضوی باید چوب ایستادگی خود را بخورد، همان‌گونه که سوریه باید تاوان حمایت از مقاومت را بدهد. اتهام مرتضوی این است که در دوران دادستانی وی مردم مظلوم، بسیجیان عاشق و جوانان دل‌داده رهبری در یک طرف و در طرف دیگر آمریکا، غرب، منافقان، بهائیان و دنیاطلبان بوده‌اند و تعدادی از بسیجیان که هیچ ادعایی ندارند، شهید شده‌اند و نباید در نظام جمهوری اسلامی ایران به یک زندانی و متهم و حتی مجرم یک سیلی هم زده شود».

بااین‌حال در سال آخر دولت دهم که شاقول اصولگرایی هرچه بیشتر از احمدی‌نژاد دور می‌شد، حسینیان هم یکی به نعل می‌زد و یکی به میخ. تا جایی که در یکی از جلسات مجلس در جمع خبرنگاران گفت: «احمدی‌نژاد جایی برای دفاع باقی نگذاشته است و من دیگر از احمدی‌نژاد دفاع نمی‌کنم و قبلا هم اعلام برائت کرده گفته بودم اگر قبلا در دفاع از احمدی‌نژاد شمشیر کشیدم امروز به روی او شمشیر می‌کشم و از هر کسی که از خط رهبری فاصله بگیرد دفاع نمی‌کنم».

پشیمانی که دوباره حامی شد

با رفتن دولت دهم، حسینیان به نقش همیشگی خود بازگشت. اگر هم زمانی می‌خواست نقدی حواله احمدی‌نژاد کند تمامی جوانب را رعایت می‌کرد و از منظر پدری دلسوز آن را بیان می‌کرد؛ مثلا بهمن ۹۴ در ارتباط با ماجرای خانه‌نشینی گفته بود: «حقیقتا مرید حضرت آقا و ولایت است. در طول تاریخ هم مصادیقی وجود دارد که برخی از یاران حضرت امیر(ع) در مقابل ایشان بدخلقی می‌کردند، اما هیچ‌گاه از راه ولایت خارج نشدند. معتقدم احمدی‌نژاد در رابطه با حضرت آقا یک بچه تخس بود و هیچ غرض واقعی وجود نداشت». مرکز اسناد انقلاب اسلامی که زیر نظر او اداره می‌شود شاید یکی از نخستین نهادهای رسمی‌ای بود که احمدی‌نژاد بعد از فارغ‌شدن از ریاستش بر دولت و چند ماه دوری از انظار آنجا رؤیت شد. دی ۹۲، تصاویر حضور احمدی‌نژاد که به دعوت حسینیان آنجا رفته بود، روی خروجی خبرگزاری‌ها و سایت‌ها قرار گرفت. حسینیان هر ساله به عیددیدنی احمدی‌نژاد هم می‌رود؛ تا جایی که در یکی از این بازدیدها که از محل مجلس عازم ولنجک یا نارمک بوده به خبرنگاران پارلمانی گفت: «همین الان دارم به دیدار آقای احمدی‌نژاد می‌روم. این دیدار، اصلا سیاسی نیست و صرفا نوروزی است.»

بازدید از مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سال ۹۳ .عکس: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

روایت امیرمحبیان از رابطه احمدی‌نژاد و اصولگرایان:

احمدی‌نژاد حمایت هوادارانش را حتی به جلیلی هم قرض نمی‌دهد

چند روز قبل خبری غیررسمی به نقل از احمدی‌نژاد منتشر شد مبنی بر اینکه او از اصولگرایان خواسته تا چراغ سبزی به او نشان دهند تا با حضورش تنور انتخابات را گرم کند و در لحظه آخر به نفع دیگری کنار رود. خبری که با توجه به شناخت از شخصیت احمدی‌نژاد چندان با واقعیت جور درنمی‌آید. غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده رشت به انتخاب گفته است: «این با روحیات احمدی‌نژاد نمی‌خواند و می‌توان گفت دروغ است. تا به امروز احمدی‌نژاد به اصولگرایان ضربه زده، بعد از این هم ضربه می‌زند. اصولگرایان باید از همین الان تکلیفشان را با احمدی‌نژاد مشخص کنند و اعلام موضع کنند و به افراد و مردم اعلام کنند که احمدی‌نژاد نماینده ما نیست. این پیام باید به دست مردم برسد که هم خیال احمدی‌نژاد تخت بشود هم خیال دیگران». جعفرزاده با بیان اینکه اصولگرایان به دلیل سرعت کمی که در عرصه سیاسی دارند، ضربه می‌خورند، گفته است: «یکی از دلایلی که اصولگرایان عنوان نمی‌کنند ما از احمدی‌نژاد حمایت نمی‌کنیم به دلیل سرعت کمی است که در حوزه تصمیم‌گیری پیش گرفته‌اند. بااین‌حال، اصلاح‌طلبان با سرعت بالا دست به اقدامات می‌زنند و تصمیم‌گیری می‌کنند. همه باید به روحانی کمک کنیم تا رئیس‌جمهور شود». این فقط ایمن‌آبادی نیست که از تمایلش مبنی بر نیامدن احمدی‌نژاد می‌گوید. تقریبا اکثر اصولگرایان در اظهارنظرهایشان با او هم‌عقیده‌اند. اگرچه هم‌زمان هم اعلام کرده‌اند نام او در کنار نام روحانی در فهرست ۳۰ تا ۳۵ نفره اصولگرایان قرار دارد! امیرمحبیان، تحلیلگر اصولگرا هم درباره ایده بازی با کارت احمدی‌نژاد برای گرم‌کردن تنور انتخابات به «خبرآنلاین» گفته است: «با شناخت روان‌شناختی‌ای که از شخصیت احمدی‌نژاد دارم او به‌هیچ‌وجه پل گذر برای هیچ‌کس به سوی قدرت و کاتالیزور هیچ معادله‌ای نخواهد شد که در نتیجه نباشد. احمدی‌نژاد برای خود کفایت و ارزش افزوده‌ای بیش از اصولگرایان سنتی قائل است و آنها را زمانی می‌خواهد که یا مخل عملیات او نباشند یا در پشت سرش حرکت کنند. کسانی که چنین سناریویی دارند؛ حتما احمدی‌نژاد را نمی‌شناسند. تکرار می‌کنم احمدی‌نژاد در تعاملی که برنده آن نباشد وارد نمی‌شود».به گفته او: «احمدی‌نژاد بر حسب اختیار، حمایت هوادارانش را برای به‌قدرت‌رسیدن هیچ‌کسی جز خودش قرض نمی‌دهد حتی اگر جلیلی باشد مگر آنکه جلیلی قول دهد پیشاپیش معاون‌اولی و تمامی اختیارات خود را جز نام ریاست‌جمهوری به احمدی‌نژاد واگذارد که در آن صورت هم شک دارم احمدی‌نژاد جز به ثمره هاشمی یا مشایی چنین اعتمادی را داشته باشد».

روایت جدید فرمانده سابق

چرا رضایی از سپاه رفت؟ چرا برگشت؟

محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در جمع دانشجویان بسیجی استان فارس گفته است: «دلیل خروجم از سپاه، احساس خطر در عرصه اقتصاد بود اما دو سال پیش با دیدن تهدیدات منطقه‌ای ازجمله در سوریه و پیشروی‌های داعش از مقام معظم رهبری کسب اجازه کردم که با این لباس در سال‌های آخر عمرم در کنار آقا باشم». فرمانده سابق جنگ هشت‌ساله که اخیرا برای تدریس در دانشگاه امام حسین به سپاه بازگشته و گاه‌گداری لباس نظامی هم بر تن می‌کند، تا پیش از این علت خروجش از سپاه در سال ۷۶ را «کارهای فرهنگی» عنوان کرده بود. او گفته بود دغدغه‌های بیرون سپاه، روح و روانش را آزار می‌دهد. گفته بود کارش در سپاه تمام شده است و می‌خواهد کار فرهنگی کند؛ اما دو سال گذشته که دوباره به سپاه بازگشت گفت: «فعلا مقرر شده که تجاربم را به همه نسل‌های آینده سپاه منتقل کنم و به آنها مشورت دهم و هیچ چیز دیگری مطرح نیست».

مردم یا جنگ‌افزار

تصویری که محسن رضایی از خود به یادگار گذاشته ابتدا یک چهره نظامی و بعد سیاسی- اقتصادی است. شاید از همین‌روست که بعد از نزدیک به ۱۹ سال خروجش از سپاه به هوای کارهای فرهنگی و مرور کارنامه خود به این نتیجه رسیده است که او برای دغدغه‌های اقتصادی از سپاه خارج شده نه سیاسی. او که دکترای اقتصاد دارد این سال‌ها به قول خودش هم از سوی اصلاح‌طلب‌ها مورد انتقاد بوده و هم اصولگرایان؛ «در دوران اصلاح‌طلبان می‌گویند چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه یافت؟ و در دوران اصولگرایان گفته می‌شود: چرا به امام، جام زهر دادند؟ آنها نمی‌دانند که با این‌گونه اظهارات، موفق‌ترین نبرد ایران در ۳۰۰ سال اخیر را زیر سؤال می‌برند؟». یک‌بار دیگر هم گفته بود: «این روزها یک عده لیبرال می‌گویند چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد، یا یک عده انقلابی دوآتشه می‌گویند چرا اجازه دادید امام جام زهر بنوشد؛ به اینها باید بگوییم شما کجا بودید که در جبهه حضور پیدا نکردید؟». محسن رضایی سال ۵۹ و هنگامی که عضو شورای فرماندهی سپاه بود گفته بود: «می‌خواهیم مستقل باشیم، نمی‌خواهیم سلاح‌های پیچیده بخریم و باید روی مردم تکیه کنیم»؛ اما در سال ۶۷ با ارسال نامه‌ای به امام پیروزی در جنگ و عملیات آفندی را منوط به دستیابی به سخت‌افزارهای نظامی دانسته بود. رضایی بعدا گفت: «این نامه را برای هاشمی نوشته بودم، درحالی‌که هاشمی چون از طرف امام مسئولیت داشت همه‌جا عنوان می‌کند نامه را برای امام نوشتم». او بعدا هم گفت: «من در هیچ نامه‌ای از امام تقاضای کمک نکردم. بحث کمبود امکانات و نیرو یک واقعیت بود؛ اما دوستان سیاسی پاتک می‌زدند و می‌گفتند می‌خواهیم سپاه را گسترش بدهیم. می‌گفتند روزی که خرمشهر را گرفتید این مقدار امکانات نداشتید که اکنون برای گرفتن بصره چندبرابر می‌خواهید». او در گفت‌وگویی، طولانی‌شدن جنگ را ناشی از استراتژی ناموفق مسئولان دانسته و گفته بود: «دوستان به شعار جنگ جنگ تا پیروزی و سقوط صدام اعتقاد نداشتند. دلسوزی مسئولان، جنگ را شش‌سال طول داد درحالی‌که قرار بود سه، چهار ماه بعد از فتح خرمشهر با یک عملیات، جنگ تمام شود. اگر برای سقوط صدام برنامه‌ریزی می‌کردیم شاید جنگ زودتر تمام می‌شد».

۴ بار ناکامی

فرمانده سابق جنگ که تصور می‌کرد در فرماندهی کشور هم اقبال دارد تاکنون در چهار کارزار انتخاباتی وارد شده است و در همگی ناکام مانده است. در انتخابات مجلس ششم از تهران نامزد شد ولی فهرست اصلاح‌طلبان رأی آورد. سال ۸۴ هم بعد از تأیید صلاحیت در انتخابات ریاست‌جمهوری انصراف داد. نظرسنجی «ایرنا» در سال ۸۴ میزان رأی «رضایی» را ۴.۷ درصد و «قالیباف» را ۱۶.۵ درصد اعلام کرده بود. مشخصا اقبال به فرمانده زیردست که چند سالی هم سکان نیروی انتظامی را در دست داشت، بیش از فرمانده کل سپاه در جنگ بود. در انتخابات ۸۸ و۹۲ هم نتوانست برنده شود و به ترتیب سوم و چهارم شد. رضایی در عرصه سیاست هم فرماندهی تنها بود. سال ۸۸ درحالی‌که همه اصولگرایان معتقد به ادامه ریاست «احمدی‌نژاد» بر دولت بودند و گزینه دیگری برای انتخابات رو نکردند، فرمانده باز به میدان آمد. مشخص بود که در طیف اصولگرایی شانس چندانی ندارد. آن سال رضایی، احتمالا فکر کرد که گذشت چهار سال کافی است تا این اقبال گسترده مردمی به او رخ نماید. او این‌بار از پیشینه نظامی‌اش فاصله گرفت و در آستانه انتخابات ۸۸ گفت: «نمی‌خواهم کشور را با عقاید نظامی‌گری اداره کنم». بعد هم تأکید کرد: «وزارت فرهنگ را باید از دست امنیتی‌ها خارج کرده و به اهالی فرهنگ بدهیم». در جریان مناظره‌های ریاست‌جمهوری هم «رضایی» با ورود به مستندات اقتصادی، رفتار دولت را به نقد کشید. «منحنی فلاکت» را در برابر «احمدی‌نژاد» گذاشت و نسبت به عواقب رفتارهای اقتصادی دولت او هشدار داد. گفته شد مناظره او با احمدی‌نژاد با توسل به نگاه کارشناسی و به مدد آمار مستند، یکی از بهترین مناظره‌ها در برابر احمدی‌نژاد بوده است. او اخیرا گفته است: «مردم به نتیجه انتخابات معترض بودند و اعتراض آنها از نوع اجتماعی بود، نه سیاسی و درحالی‌که می‌توانست مسالمت‌آمیز ادامه یابد و ختم شود اما به علت ضعف مدیریت به فتنه تبدیل شد. اگر در آن زمان افکار عمومی دچار تشویش شده بود و اگر دولت در آن زمان اجازه شمارش آرا را می‌داد، هیچ موقع تظاهرات به نابهنجاری کشیده نمی‌شد». او اخیرا در دانشگاه تربیت‌مدرس در پاسخ به پرسشی درباره موسوی و کروبی گفته است: «معتقدم که قصاص قبل از جنایت صحیح نیست. آنها امروز زندانی هستند و من علاقه ندارم وارد این مقولات شوم». اگرچه پیش‌تر گفته بود: «آن دو را عمله آمریکا می‌دانم و در ۲۵ بهمن ۸۹ اعلام کردم اگر این دو نفر از مردم عذرخواهی نکنند مردم می‌توانند آنها را دستگیر کنند». بار آخری که نامزد شد باز بر همان ایده‌های اقتصادی خود در مناظره‌ها تکیه کرد. در یکی از مناظره‌های انتخابات سال ۹۲ با نشان‌دادن یک اسکناس هزارتومانی به کاهش ارزش پول ملی اشاره کرد و خطاب به رقبایش گفت: «آقایان به اقتصاد توجه کنید؛ هزار تومان امروز برابر ۳۰۰ تومان گذشته است». همین‌طور کنایه او به اعضای ائتلاف سه‌نفره اصولگرایان در یکی از آن مناظره‌ها هم جالب بود. زمانی که او با تعجب گفت: «آقای حداد، قالیباف و ولایتی مگر ائتلاف تشکیل ندادید، از این اختلاف نظر پیداست که اختلافشان جدی است».

نکته

فرمانده سابق جنگ که برای تدریس در دانشگاه امام حسین به سپاه بازگشته و گاه‌گداری لباس نظامی هم بر تن می‌کند، تا پیش از این علت خروجش از سپاه در سال ۷۶ را «کارهای فرهنگی» عنوان کرده بود

روزنه

لاریجانی، مصباحی‌مقدم و باهنر قطعا از روحانی حمایت می‌کنند

• **ایسنا:** یدالله طاهرنژاد، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با اشاره به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۹۶ و مطرح‌شدن حمایت مشروط از حسن روحانی از سوی برخی اصلاح‌طلبان گفت: «آنچه مسلم است اصلاح‌طلبان سیاست سال ۹۲ را در سال ۹۶ ادامه داده و از آقای روحانی حمایت می‌کنند. ممکن است بخشی از انتظارات اصلاح‌طلبان برآورده نشده و این انتظارات موضوع مذاکره با آقای روحانی باشد، اما اسم این کار شرط‌گذاری نیست بلکه فقط بیان توقعات است. توقع اصلاح‌طلبان این است که آقای روحانی بخشی از مطالبات ملی آنها را مدنظر قرار دهد؛ اما به این معنا نیست که اصلاح‌طلبان از ایشان حمایت مشروط خواهند داشت».او افزود: «نکته درخور توجه این است که اگر برای آقای روحانی، مقتضی موجود و موانع مفقود باشد، به این توقعات پاسخ می‌دهد و شاید تاکنون شرایط مهیا نبوده که به همه انتظارات پاسخ دهد. ضمن اینکه تا همین‌جا هم آقای روحانی خیلی از انتظارات اصلاح‌طلبان را پاسخ داده و فضای امروز جامعه نسبت به چهارسال پیش در ابعاد مختلف قابل مقایسه نیست. اصلاح‌طلبان قدر فضای ایجادشده را می‌دانند و بحثی که برخی تئوریسین‌های اصلاح‌طلب مطرح می‌کنند شاید قابل تعمیم به کل جریان اصلاحات نباشد». طاهرنژاد درباره رویکرد اصولگرایان در انتخابات سال ۹۶ گفت: «در جریان اصولگرا یک صدا شنیده نمی‌شود. بخشی از اصولگرایان معتدل همانند آقایان لاریجانی، مصباحی مقدم و باهنر قطعا از آقای روحانی حمایت می‌کنند؛ چراکه مسیر را درست تشخیص داده و شرایط خیلی سختی پیش‌روی آقای روحانی نخواهند گذاشت. به نظر من نهایتا به این جمع‌بندی می‌رسند که از ایشان حمایت کنند؛ چراکه اصلا آقای روحانی عضو جامعه روحانیت است و اگر قرار به شرط‌گذاری باشد، اصلاح‌طلبان هستند که باید شرط بگذارند چون آقای روحانی از جنس خود آنهاست».این فعال سیاسی اصلاح‌طلب عنوان کرد: «جناح تندرو اصولگرایان که شامل جبهه پایداری و دوستان هم‌فکرشان می‌شود، ممکن است گزینه دیگری را مطرح کنند؛ اما خودشان هم می‌دانند شانسی برای پیروزی ندارند و اگر آقای روحانی در عرصه باشد، هیچ اصولگرایی در برابر او شانس پیروزی نخواهد داشت. هرچند ممکن است رأی آقای روحانی نسبت به دوره قبل افزایش بالایی نداشته باشد؛ اما در جبهه اصولگرایی هنوز کسی مطرح نشده که ارزیابی‌ها نشان دهد قدرت رقابت با آقای روحانی را دارد بنابراین به نظر نمی‌رسد در انتخابات سال ۹۶ شاهد یک تغییر یا عقب‌گرد باشیم».

بعید است قالیباف دوباره شانس خود را امتحان کند

او درباره احتمال حضور رئیس دولت‌های نهم و دهم در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز گفت: «من برای آقای احمدی‌نژاد هیچ شانسی نمی‌بینم و در رابطه با تأیید یا رد صلاحیت او توسط شورای نگهبان نیز نمی‌توانم اظهارنظر کنم؛ چراکه تصمیمات شورا خیلی قابل پیش‌بینی نیست. هیچ‌کس در ایران فکر نمی‌کرد آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شود اما این اتفاق افتاد بنابراین در رابطه با این مسئله نمی‌توان با قاطعیت اظهارنظر کرد. هرچند شاید آقای احمدی‌نژاد نسبت به برخی شانس بیشتری برای عبور از فیلتر شورای نگهبان داشته باشد؛ اما شانس عبور از ملت را ندارد. همه قراین نشان می‌دهد که آقای احمدی‌نژاد فعالیت انتخاباتی می‌کند اما بسیار بعید است که ایشان حتی مورد حمایت اصولگرایان معتدل قرار گیرد».طاهرنژاد در رابطه با مطرح‌بودن نام افراد دیگری برای حضور در انتخابات پیش‌رو، همچون محمدباقر قالیباف، افزود: «آقای قالیباف شانس خود را امتحان کرده است، دو بار وارد رقابت شده و هر دو بار با شرایط سختی از میدان رقابت خارج شده است، بنابراین بسیار بعید است که بخواهد مجددا خود را عرضه کند. من هم برای ایشان شانسی نمی‌بینم. نهایتا اصولگراها کسی را ندارند که بتوانند مقابل آقای روحانی مطرح کنند، اصلاح‌طلبان نیز دلیلی ندارند که از کاندیدای خود در سال ۹۲ روی برگردانند، بنابراین به نظر من آقای روحانی رقیب جدی‌ای نخواهد داشت. بهترین حالت این است که به اجماع ملی برسیم، همه روی آقای روحانی تمرکز کنند و ایشان با رأی قاطع پیروز شوند».او گفت: «این یک بلوف سیاسی نیست، یک واقعیت سیاسی است که اصلاح‌طلبان گزینه‌های متعددی در قدوقواره ریاست‌جمهوری دارند، اما اینکه این افراد بتوانند از فیلتر شورای نگهبان عبور کنند، بحث دیگری است. اگر روزی شورای نگهبان برای اصولگرایان و اصلاح‌طلبان شرایط برابر ایجاد کند خواهیم دید که چهره‌ها و شخصیت‌های زیادی در طیف اصلاح‌طلبی وجود دارند که هریک می‌توانند کشور را اداره کنند؛ اما اگر رویکرد شورای نگهبان همین‌گونه باشد و در ادامه راه نیز اجازه حضور داده نشود، کار سخت خواهد بود. برای ایجاد چنین شرایطی نیز تعامل خواهیم کرد چراکه اصلاح‌طلبان می‌خواهند درون نظام فعالیت کنند و برای آن باید همین روش تعاملی را ادامه دهند».